«ایران» از سومین نشست «تجاوز خارجی و چشم‌اندازهای آینده ایران» گزارش می‌دهد

درخشش «هویت ایران» در میانه جنگ

گزارش

نمایه ایران پساجنگ چه تصویر و چه تحلیلی از جامعه، سیاست و روابط خارجی ایران ساخته است؟ هرچه که هست، جنگ رمضان باز هم کاستی‌ها، ادراکات و برساخت‌های روانشناختی و جامعه‌شناسی از ایرانیان را برجسته کرد؛ جنگی که برای فروپاشی ساختاری نظم و نظام سیاسی-اجتماعی به ایران آمده بود، به بزرگ‌ترین امر ملی در سپهر کشور تبدیل شد و طراحان فروپاشی را با یک شکست بزرگ مواجه کرد؛ اتفاقاتی که در طول ۶ ماه گذشته و در بطن جنگ میهنی و دفاع مقدس ملی بروز و ظهور داشت، بار دیگر نیاز رجوع به خوانش دقیق‌تر از «تمدن» و «هویت ایرانی» را ضروری ساخته است.

این نقش درخشان را این روزها دانشگاه تهران در سلسله نشست‌های «تجاوز خارجی و چشم‌انداز آینده ایران» با پشتیبانی «تاپیکو» به میزبانی نشسته است. روز سه‌شنبه، دکتر کیومرث اشتریان، دکتر مهدی فدایی‌مهربانی و دکتر حبیب‌الله فاضلی، اساتید دانشگاه تهران در پنل «جامعه ایرانی و مسأله تجاوز خارجی به ایران»، به تحلیل نقش برجسته هویت ایرانی در پایداری کشور در برابر جنگ تجاوزکارانه ابرقدرت جهان پرداختند.

در این بخش، توصیف تهران به «کلانشهر بی‌کلانتری» که امن‌ترین پایتخت جهان در جنگ بود، یکی از نقاط افتخارآمیز هویت ایرانی، مورد بررسی قرار گرفت.

در بخش دیگری از این نشست، امیرعلی نبوی و حمزه صفوی، اساتید دانشگاه تهران و الله‌کرم مشتاقی، کارشناس مسائل منطقه، «مناسبات ایران و اعراب در جنگ رمضان» را به تحلیل نشستند. مشروح این گزارش را در ادامه می‌خوانید.

> فدایی به دیدگاه توماس باوئر در کتاب «فرهنگ چندمعنایی» اشاره کرد و گفت برخی پژوهشگران، چندپارگی را نه‌تنها ضعف، بلکه نقطه قوت جوامع می‌دانند. به گفته او، باوئر در این کتاب توضیح می‌دهد که در جوامع مسلمان، از جمله ایران، مذاهب، مکاتب کلامی، گروه‌ها و مکاتب فقهی و فلسفی مختلف در کنار یکدیگر نوعی همزیستی داشته‌اند و این همزیستی در طول تاریخ پذیرفته شده بود

اشتریان: جریان اصلی جامعه ایران در برابر تجاوز خارجی به سمت اتحاد رفت

نشست «جامعه ایرانی و مسأله تجاوز خارجی به ایران» با سخنرانی کیومرث اشتریان، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، آغاز شد. اشتریان در این نشست با تأکید بر مسئولیت اجتماعی دانشگاهیان، به بررسی واکنش جامعه ایران به تجاوز خارجی، ضرورت حفظ وحدت ملی، وضعیت امنیت اجتماعی در دوران جنگ و پیامدهای برخی محدودیت‌های داخلی پرداخت.

اشتریان در ابتدای سخنان خود گفت: «وظیفه ما دانشگاهیان است که به‌عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی‌مان، به موضوعات مرتبط با رشته خود بپردازیم.» او با اشاره به اینکه مسئولیت دانشگاه، شناخت علمی روابط میان پدیده‌هاست، افزود: «گفته می‌شود که ما در سیاست دخالت نمی‌کنیم، اما در رشته علوم سیاسی، مداخله در جامعه به معنای حضور در جناح‌بندی‌های سیاسی نیست.»

به گفته این استاد علوم سیاسی، دانشگاهیان از منظر مسئولیت و خدمات اجتماعی باید بتوانند درباره موضوعات مختلف کشور اظهارنظر کنند.

اشتریان در ادامه با اشاره به واکنش جامعه ایران به جنگ و تجاوز خارجی اظهار کرد که مهم‌ترین مسأله‌ای که در این دو جنگ مشاهده شده، واکنش جامعه ایران به تجاوز خارجی و شکل‌گیری نوعی اتحاد ملی بوده است. او گفت: «آنچه به‌عنوان جریان اصلی در جامعه ایرانی دیده شد، مخالفت با تجاوز خارجی و شکل‌گیری نوعی اتحاد ملی بود.»

اشتریان با تأکید بر وجود دیدگاه‌ها و انتقادهای مختلف در جامعه افزود: «اختلاف نظرها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود داشته است، اما زمانی که امنیت یک جامعه به خطر می‌افتد، جریان غالب جامعه به سمت اتحاد حرکت می‌کند.»

او با اشاره به جایگاه جنگ در علم سیاست گفت: «ما در علوم سیاسی می‌گوییم مهم‌ترین امر سیاسی برای حکومت‌ها، جنگ است. وقتی کلیت یک جامعه متوجه چنین خطری می‌شود، طبیعتاً متحد می‌شود.»

این استاد دانشگاه همچنین به وجود گروه‌هایی اشاره کرد که به دلیل نارضایتی و کینه نسبت به سیاست‌های موجود، از تجاوز خارجی استقبال کرده‌اند. به گفته او، این گروه‌ها در اقلیت بودند، اما صدای رسانه‌ای آنها، بویژه در خارج از کشور و از طریق برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی، بیشتر شنیده می‌شد. با این حال، او تأکید کرد که جریان اصلی جامعه ایران با تجاوز خارجی مخالف بوده است.

اشتریان در بخش دیگری از سخنان خود این پرسش را مطرح کرد که در داخل کشور چه اقداماتی در این شرایط انجام شده و برخی محدودیت‌های ایجادشده چرا باید اتفاق می‌افتاد.

او با اشاره به چالش‌های ایجادشده برای برخی رسانه‌های مستقل و همچنین طرحی که اخیراً در مجلس برای ایجاد محدودیت در دانشگاه‌ها مطرح شده است، گفت که چنین اقداماتی را نمی‌توان بی‌ارتباط با شرایط جنگی دانست.

به گفته اشتریان، این طرح‌ها با هدف مقابله با نفوذ و حفظ امنیت ملی مطرح می‌شوند، اما ممکن است در نهایت به ضرر امنیت ملی تمام شوند. او تأکید کرد: «ما وظیفه داریم در راستای تقویت و حفظ وحدت ملی صحبت کنیم.»

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه به وضعیت تهران در دوران جنگ اشاره کرد و آن را نمونه‌ای از آرامش اجتماعی در جامعه ایران دانست. او گفت: «ما مشاهده کردیم در دوران جنگ، یک کلان‌شهر میلیونی، بدون کلانتری، روند طبیعی خود را ادامه داد. این جزو افتخارات ایران است.»

اشتریان با اشاره به تجربه خود از برخی شهرهای غربی گفت که در برخی از این شهرها، حتی در شرایطی مانند قطع برق، حضور نیروهای گشت و انتظامی پررنگ است. او همچنین با اشاره به تجربه خود در نیویورک و واشنگتن دی‌سی، از وجود برخی مناطق ناامن در این شهرها سخن گفت و تأکید کرد که در تهران، با وجود شرایط جنگی، اتفاقاتی مانند غارت و آشوب رخ نداد.

او این وضعیت را نشانه‌ای از آرامش میان مردم و همچنین نشان‌دهنده پیشینه تمدنی جامعه ایران دانست و گفت: «ممکن است به دلیل زندگی در این جامعه، بسیاری از این ویژگی‌ها برای مردم عادی شده باشد.

این مسأله به معنای ایده‌آل بودن همه شرایط در کشور نیست و مشکلاتی وجود دارد، اما شرایط اجتماعی ایران را نمی‌توان با برخی جوامع دیگر مقایسه کرد.»

او در ادامه نسبت به پیامدهای فشارهای اقتصادی هشدار داد و گفت: «نباید شرایط اقتصادی به نقطه‌ای برسد که امنیت و آرامش اجتماعی مردم به خطر بیفتد.» به گفته اشتریان، مردم باید از حداقل‌های معیشتی برخوردار باشند، چرا که فشار اقتصادی و رسیدن خانواده‌ها به مرحله استیصال می‌تواند پیامدهای اجتماعی جدی به همراه داشته باشد.

او در پایان با اشاره به اینکه تهران با وجود شرایط دشوار اقتصادی همچنان آرامش خود را حفظ کرده است، بر اهمیت امنیت اجتماعی تأکید کرد و گفت: «امنیت اجتماعی نیز مسأله بسیار مهمی است و ما باید قدر آن را بدانیم.»

فدایی: غنای فرهنگی و تمدنی ایران در جنگ خود را نشان داد

مهدی فدایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، در ادامه نشست «تجاوز خارجی و چشم‌اندازهای آینده ایران» با طرح این پرسش که «وقتی از خودمان صحبت می‌کنیم، چه تعریفی از ما داریم؟» بر ضرورت بازاندیشی درباره مفهوم «ما» در جامعه امروز ایران تأکید کرد.

فدایی گفت: «مفهوم «ما» با موضوعات مختلفی از جمله هویت، تخیل اجتماعی ایرانیان و بنیادهای تاریخی، فرهنگی و تمدنی جامعه ارتباط دارد.

او در این زمینه به دیدگاه‌های داریوش شایگان اشاره کرد و گفت: «شایگان در دوره دوم فکری خود، مسأله «هویت چهل‌تکه ایرانیان» را مطرح کرده است. از نگاه شایگان، جامعه ایران در یک تقاطع فرهنگی و هویتی قرار گرفته و انسان ایرانی عناصری از هویت سنتی و مدرن را همزمان در خود دارد.» به گفته فدایی، تجربه بیش از یک قرن گذشته در دنیای معاصر، بویژه در غرب، نشان می‌دهد که هرجا تلاش برای ایجاد جامعه‌ای کاملاً یکدست مطرح شده، خطرات بزرگی نیز به دنبال آن آمده است.

فدایی در ادامه به دیدگاه توماس باوئر در کتاب «فرهنگ چندمعنایی» اشاره کرد و گفت: «برخی پژوهشگران، چندپارگی را نه‌تنها ضعف، بلکه نقطه قوت جوامع می‌دانند. به گفته او، باوئر در این کتاب توضیح می‌دهد که در جوامع مسلمان، از جمله ایران، مذاهب، مکاتب کلامی، گروه‌ها و مکاتب فقهی و فلسفی مختلف در کنار یکدیگر نوعی همزیستی داشته‌اند و این همزیستی در طول تاریخ پذیرفته شده بود.

او نمودهای این همزیستی را در ساختار برخی محله‌های تاریخی شهرهایی مانند اصفهان و تهران قابل مشاهده دانست و به قرار گرفتن مسجد، کلیسا، دیر و دیگر اماکن مذهبی در فاصله‌ای نزدیک از یکدیگر اشاره کرد. فدایی همچنین «چهارراه ادیان» در تهران را نمونه‌ای از این همزیستی دانست.

فدایی در بخش دیگری از سخنان خود با بازگشت به مفهوم «ما» گفت جامعه امروز ایران با همان مسأله‌ای مواجه است که در ابتدای بحث مطرح کرده بود. به اعتقاد او، سنت و فرهنگ ایرانی در تعریف «ما» از گشودگی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

او با تأکید بر شمولیت فرهنگ ایرانی گفت: «این فرهنگ در طول تاریخ ظرفیت پذیرش ادیان و اقوام مختلف را داشته است.» فدایی در این زمینه به شرایط تهران در دوران جنگ اشاره کرد و گفت: «تصور می‌کرد با آغاز جنگ، فروشگاه‌ها خالی شوند و مردم نتوانند زندگی عادی خود را ادامه دهند، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و مردم به زندگی روزمره خود ادامه دادند.»

به گفته این استاد علوم سیاسی، در جریان جنگ، نمونه‌های متعددی از رفتارهای اجتماعی مردم مشاهده شد که نشان‌دهنده غنای فرهنگی و تمدنی جامعه ایران بود.

فاضلی: جامعه ایران هابزی نشد بسیاری از پیش‌بینی‌ها محقق نشد

حبیب الله فاضلی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، در ادامه این نشست با اشاره به تفاوت میان تحلیل‌های دانشگاهی و تحلیل‌های رایج در فضای مجازی، برپیچیدگی واقعیت‌های سیاسی و ضرورت پرهیز از تحلیل‌های ساده‌انگارانه تأکید کرد. فاضلی گفت: «پژوهشگران و استادان دانشگاه معمولاً با احتیاط و با در نظر گرفتن اما و اگرهای متعدد سخن می‌گویند، زیرا واقعیت پیچیده است؛ در حالی که در فضای مجازی گاهی تحلیل‌هایی درباره گذشته، آینده و جنگ ارائه می‌شود که بیش از حد ساده و قطعی هستند.»

او با اشاره به خاطرات یکی از استادان تاریخ تحولات معاصر دانشگاه تهران از مرحوم جواد شیخ‌الاسلامی گفت که او در سال‌های اول پس از انقلاب، هنگام تدریس تحولات دوره پهلوی، وقتی به دهه ۵۰ می‌رسید، تأکید می‌کرد که برای روایت دقیق این دوره هنوز اسناد و داده‌های کافی وجود ندارد و باید زمان بگذرد تا ابعاد آن آشکار شود.

فاضلی این نکته را درباره تحولات یک سال گذشته نیز قابل توجه دانست و گفت: «هرچه از این وقایع فاصله بگیریم، امکان تحلیل دقیق‌تر آنها فراهم می‌شود. جامعه ایران در دل یک دوره بسیار خاص و پیچیده قرار دارد؛ دوره‌ای که در آن، بالاترین مقام کشور و بسیاری از فرماندهان شهید شدند، اما با وجود پیش‌بینی‌هایی درباره فروپاشی یا ورشکستگی سریع، چنین اتفاقی رخ نداد.»

فاضلی در بخش دیگری از سخنان خود به کتاب «بر لبه تنهایی» نوشته ولی نصر اشاره کرد. به گفته او، نصر معتقد است جمهوری اسلامی ایران طی چند دهه گذشته نشان داده که در نهایت اهل معامله و مذاکره است، اما طرف آمریکایی این روند را نپذیرفته و در هر مرحله خواهان امتیازات بیشتری شده است. او افزود که بر اساس تحلیل نصر، حتی اگر جمهوری اسلامی ایران امتیازات بیشتری می‌داد، لزوماً مانع شکل‌گیری این تقابل نمی‌شد. به باور نصر، با توجه به جابه‌جایی مداوم کانون‌های قدرت در منطقه و جهان، بویژه در غرب و قرار گرفتن جمهوری اسلامی به‌عنوان مانعی در برابر برخی از این روندها، وقوع جنگ میان ایران و آمریکا تا حد زیادی گریزناپذیر بوده است.

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه، بخشی از این وضعیت را به منطق نهادهای بین‌المللی مرتبط دانست و گفت: «پس از جنگ جهانی دوم، نهادها و سازوکارهایی مانند سازمان‌های بین‌المللی، سوئیفت و شورای امنیت شکل گرفتند تا روابط میان کشورها را تنظیم و تسهیل کنند.» به گفته او، در چارچوب نهادگرایی نولیبرال، قرار بود این نهادها همچون «تسمه نقاله جهانی»، ارتباط میان عرضه و تقاضا و در نهایت پیوند و یکپارچگی نظام بین‌الملل را برقرار کنند.

او ادامه داد که این نهادهای بین‌المللی در ابتدا قرار بود بی‌طرف و متعلق به همه کشورها باشند، اما به‌تدریج ایالات متحده و غرب در عمل به صاحبان و اعمال‌کنندگان صلاحیت آنها تبدیل شدند. به گفته فاضلی، کشورهایی مانند ایران، روسیه و چین که با این نظم همراه نیستند، از این شبکه کنار گذاشته می‌شوند و مفهوم «تحریم» نیز در همین چارچوب، به معنای حذف از شبکه شکل می‌گیرد.

او در ادامه تأکید کرد که در این روند، تنها دولت ایران هدف قرار نگرفته، بلکه جامعه ایران نیز مورد هجمه قرار گرفته است. فاضلی با اشاره به برچسب‌هایی که طی یک یا دو دهه گذشته درباره جامعه ایران مطرح شده، گفت جامعه ایران به‌طور مداوم با واژگان و انگ‌های مختلف بمباران شده است؛ تا جایی که حتی برخی افراد جامعه این برچسب‌ها را درباره یکدیگر باور کرده بودند. به گفته فاضلی، تحولات اخیر نشان داد بسیاری از این برچسب‌ها با واقعیت جامعه ایران همخوانی نداشته است. او با اشاره به نکاتی که پیش از این از سوی دکتر مهدی فدایی و دکتر کیومرث اشتریان مطرح شده بود، گفت رفتار جامعه ایران در جریان جنگ نشان داد که تصویر ارائه‌شده از آن با واقعیت فاصله دارد.

فاضلی در ادامه گفت: «در چنین شرایطی، تنها دولت نباید ورشکسته شود، بلکه جامعه نیز باید دچار فروپاشی و چندپارگی شود.» او افزود: «یکی از انتظارات موجود این بود که مسائل قومی در ایران تشدید شود؛ به‌گونه‌ای که کردها و عرب‌ها از یک سو و آذری‌ها از سوی دیگر در برابر یکدیگر قرار گیرند و جامعه ایران به یک جامعه هابزی تبدیل شود؛ یعنی اقوام و مذاهب مختلف علیه یکدیگر قرار بگیرند، مشابه آنچه در سوریه یا عراق رخ داده است.» او با این حال تأکید کرد که چنین اتفاقی دست‌کم تاکنون رخ نداده است.

مناسبات ایران و اعراب در جنگ رمضان

در ادامه، گزارش نشست «مناسبات ایران و اعراب در جنگ رمضان» با حضور سیدعبدالامیر نبوی و سیدحمزه صفوی، استادان علوم سیاسی دانشگاه تهران و الله‌کرم مشتاقی، کارشناس مسائل بین‌الملل برگزار شد.

نبوی: عربستان و مصر نمی‌خواهند ایران بیش از حد قدرتمند شود

در ابتدای این نشست، سیدعبدالامیر نبوی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، با اشاره به تحولات جنگ ۴۰روزه، گفت: «برای درک رویکرد کشورهای عربی، به‌ویژه مصر و عربستان، نسبت به تحولات جاری، باید این رویدادها را در متن روندها و تحولاتی بررسی کرد که طی سال‌های گذشته در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای شکل گرفته‌اند.»

او افزود: «این تحولات حوزه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد؛ از تحولات اقتصادی، به‌ویژه در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی خاورمیانه تا تحولات نسلی در سطح جوامع و رهبران منطقه، تغییرات اجتماعی و دگرگونی در بافت اجتماعی خاورمیانه.»

نبوی با بیان اینکه خاورمیانه در حال پوست‌اندازی است، گفت: «رویدادها با شتاب در حال وقوع هستند و آثار خود را بر منطقه برجای می‌گذارند.» به گفته او، به‌زودی با خاورمیانه‌ای مواجه خواهیم شد که آرایش نیروهای سیاسی در آن متفاوت خواهد بود.

این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد: «مجموعه این تغییرات، آرایش نیروهای سیاسی منطقه را دستخوش تحول کرده و کشورهای مختلف، از جمله کشورهای عربی، تلاش می‌کنند در این دیدگاه، کشورهای منطقه باید به سمت بازنگری در چینش امنیتی خود پیش بروند؛ از جمله با تقویت زیرساخت‌های پدافندی و دفاعی.»

وی همچنین به شکل‌گیری یک رویکرد انتقادی در کویت اشاره کرد و گفت: «برای اولین‌بار این پرسش مطرح شده است که نیروهای آمریکایی که برای میزبانی از آنها و تأمین امنیت کویت هزینه شده، در روز واقعه کارآمدی مورد انتظار را از خود نشان نداده‌اند.» صفوی در ادامه با اشاره به مواضع قطر گفت: «این کشور در سطح رسمی، برخلاف کویت، بر نقش دائمی خود به‌عنوان میانجی تأکید می‌کند و حاضر نیست وارد وضعیت تقابلی، به‌خصوص در عرصه دشمن‌انگاری ایران شود.»

او افزود: «قطر تا پایان، نقش خود را به‌عنوان تسهیلگر یا میانجی میان ایران و آمریکا حفظ کرده و تأکید داشته که این نقش را در کنار پاکستان بر عهده گرفته است.» به گفته صفوی، قطر همچنین بر این موضوع تأکید دارد که پیامدهای جنگ، هم برای منطقه و هم برای کل جهان، می‌تواند فاجعه‌بار باشد و خواستار بازگشت وضعیت تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ است.

این استاد دانشگاه در ارتباط با امارات متحده عربی هم گفت که رفتار این کشور را می‌توان از تقابل آشکار تا تنش‌زدایی محاسبه‌شده توصیف کرد. صفوی افزود: «برخلاف دو دولت قبلی که تقریباً از یک سیر همگن و یک سیر یکسان برخوردار بودند، در موضع‌گیری امارات متحده، ما شاهد سه نوع موضع‌گیری هستیم.»

وی ادامه داد: «از اسفند ماه تا اردیبهشت، موضع سرسختانه که شامل فراخوانی سفیر از تهران بود و تقریباً یک فضای کاملاً خصمانه، حداقل در سطح گفتمانی و دیپلماتیک رقم زد.»

به گفته صفوی مرحله دوم رفتار اماراتی‌ها مشارکت غیرمستقیم علیه ایران و ترغیب واشنگتن به کنترل تنگه هرمز و اتخاذ مواضع خصمانه‌تر بود به‌طوری که حتی منابعی ذکر کردند که امارات، واشنگتن را به مداخله نظامی بیشتر و آوردن نیروهای زمینی به خاک ایران ترغیب کرده است. در این خصوص ما دو گزارش مهم فایننشال تایمز و وال‌استریت ژورنال را داشتیم که در هر دو، نقش لابی‌گری امارات در حملات آمریکا به ایران، شدت و امتداد آن برجسته است.

این کارشناس روابط بین‌الملل مرحله سوم مواضع ابوظبی را از تابستان و شروع دور جدید درگیری‌ها ارزیابی کرد. صفوی تصریح کرد: «امارات وقتی دید دو مسیر اول به نتیجه نرسیده، به بازگشایی کانال‌های دیپلماتیک با تهران برگشت و به موازات آن همراهی با فشار حداکثری آمریکا را ادامه داد. در همین هفته گذشته، قبل از اینکه آمریکا دور جدید کارزار فشار حداکثری علیه ایران را رسماً اعلام کند، ابتدا امارات بود که تمامی روابط اقتصادی خود با ایران را تعلیق کرد.»

وی سپس به ارائه پیشنهادهایی برای سیاست خارجی ایران پرداخت و گفت: «اولین پیشنهاد این است که گفتمان ایران باید به سمت مدیریت نگرانی همسایگان تغییر کند.» صفوی تأکید کرد: «نکته بعدی این است که نباید دیپلماسی را از امنیت جدا کرد.» او با اشاره به الگوی قطر گفت این کشور حتی زمانی که ایران موشک و پهپاد به سمت قطر می‌فرستاد، کانال‌های دیپلماتیک خود را در سطوح رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی به‌طور فعال با ایران حفظ کرد و این الگو می‌تواند برای ایران نیز مفید باشد. وی افزود: «به هیچ وجه نباید درهای دیپلماتیک را با این کشورها در هیچ شرایطی ببندیم؛ زیرا در صورت چنین اقدامی، نفوذ و هژمونیک شدن اسرائیل در منطقه فراهم کند؛ هدفی که به گفته او، اسرائیل از دیرباز دنبال کرده است.

> نبوی: عربستان و مصر این نگرانی را داشته‌اند که تضعیف ایران می‌تواند زمینه مناسبی برای افزایش نفوذ و هژمونیک شدن اسرائیل در منطقه فراهم کند، هدفی که اسرائیل از دیرباز دنبال کرده است

صفوی: قطر می‌تواند الگویی برای حفظ همزمان دیپلماسی و امنیت باشد

در ادامه، حمزه صفوی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، به ارائه تحلیل گفتمان سه کشور کویت و قطر درباره جنگ آمریکا علیه ایران پرداخت. مواضع رسمی کویت را می‌توان از انکار مشارکت تا بازنگری امنیتی رصد کرد.

به گفته صفوی، در شروع حملات، موضع رسمی دولت کویت این بود که هیچ‌گونه مشارکت مستقیم در حملات علیه ایران نداشته است. او گفت: «کلیدواژه بعدی که محور دوم مورد تأکید کویت است، تأکید بر حق دفاع از حاکمیت و امنیت ملی در برابر آنچه حملات ایران به خاک کویت خوانده شد، است.» صفوی با اشاره به گزارش وال‌استریت ژورنال گفت: «این روزنامه گزارشی مبسوط منتشر کرده که اساساً نقش کویت را مشارکت فعال تلقی می‌کند.» به باور او، گزارش وال‌استریت ژورنال، گزارش معتبرتری از موضع‌گیری‌ای است که سفیر کویت در واشنگتن انجام می‌دهد. این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه گفت: «در سطح نیمه‌رسمی و میان افراد، شاهد دو دسته موضع‌گیری هستیم.» به گفته او، یک دسته معتقد است جنگ و حملات آمریکا به ایران، ضعف کشورهایی شبیه کویت را در دفاع از خودشان برجسته می‌کند و نشان می‌دهد رویکرد سنتی این کشورها در قبال خرید امنیت از آمریکا کفایت نمی‌کند. صفوی افزود: «بر اساس این اسرائیل و آمریکا از این وضعیت منتفع خواهند شد.»

مشتاقی: باید تنگه هرمز را به اهرم فعال سیاست خارجی تبدیل کنیم

الله‌کرم مشتاقی، کارشناس مسائل بین‌الملل نیز در ادامه این نشست گفت: «جنگ اخیر زنگ خطر بزرگی است و باید نسبت به برخی عرف‌ها و حقوق بین‌الملل یا قواعد بین‌المللی حقوقی تجدید نظر کرد.» مشتاقی افزود: «جنگ منطقه‌ای را باید جدی گرفت.»

به گفته او، هراس‌هایی که پیش از ۹ اسفند وجود داشت و سیاست خارجی کشور را تحت تأثیر قرار داده بود، پس از جنگ نشان داد که برخی از این خطوط قرمز آن‌قدر پررنگ و وحشتناک نبوده‌اند و می‌شد از آنها عبور کرد. وی تأکید کرد: «باید مدیریت جنگ منطقه‌ای را در دستور کار قرار داد.» به گفته مشتاقی، جنگ منطقه‌ای باید فراتر از زد و خورد و پایین‌تر از جنگ بزرگ باشد و دیپلمات‌ها، سیاستمداران و به‌ویژه نظامیان باید تلاش کنند سطح جنگ در همین حد حفظ شود، زیرا پایین‌تر یا بالاتر رفتن آن می‌تواند به زیان ایران باشد. مشتاقی ادامه داد: «تبدیل تنگه هرمز و باب‌المندب به اهرم فعال سیاست خارجی و سیاست امنیتی ایران، مستلزم حمایت ویژه از متحدان ایران در یمن است.» وی با رد واژه نیابتی، بر حمایت از حزب‌الله لبنان تأکید کرد و گفت: «منافع ملی، امنیت خارجی و امنیت داخلی شوخی‌بردار نیست.»

وی در پایان گفت: «نباید گرایش و نگاه ایران به شرق را به معنای پیروی از شرق دانست.»